



مریلا زارعی؛ از حرف تا عمل

بازیگری که نقش‌ها را زندگی می‌کند

«روزی که آقای شاه به من گفت مریلا کار را پذیرفته، دنیا را به من دادند. نزدیکترین دوستانم وقتی فیلم را دیدند، گفتند چقدر شبیه تو بازی کرده بود. حرکات دستش، نگاه‌های مضطربش، عصبانیت‌هایش، گام‌های بلندش... می‌دانید چرا؟ مریلا نقش‌ها را بازی نمی‌کند، مریلا نقش‌ها را زندگی می‌کند.» این عبارات بخشی از صحبت‌های شهره پیرانی همسر شهید داریوش رضایی‌نژاد است که این روزها برشی از زندگی‌اش را می‌توان روی پرده سینما تماشا کرد.

۲۳

پس از ۳۰ سال وقفه

ایران سپید منتشر شد

روزنامه ایران سپید «تنها روزنامه ویژه نایب‌نایبان و کم‌بیتابیان و کم‌بیتابیان در ایران و جهان» بعد از اوکسیژن‌سایون مردم در ایران و کاهش مرگ‌ومیر و آبی شدن نقشه‌های کرونایی کشور با همت مسئولان این مؤسسه فرهنگی دوباره انتشارش را از سر گرفته است

۲۲



«ایران» در گفت‌وگو با کارشناسان از وضعیت بغرنج بافت فرسوده شهری گزارش می‌دهد

پرسه در کوچه‌های فرسوده

نگاهی به مشکلات بافت فرسوده بویژه در دوره‌های اخیر نشان می‌دهد که نگاه فیزیکی، تک بعدی و اقتصادی صرف نمی‌تواند راهگشای مشکلات عمیقی باشد که این روزها ساکنان بافت فرسوده با آن دست و پنجه نرم می‌کنند

صفحه ۱۸ را بخوانید



معاون فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم در گفت‌وگو با «ایران» عنوان کرد

اختلال در زیست دانشجویی

پاندمی کرونا و غیر حضوری شدن آموزش جامعه‌پذیری و زیست دانشجویی را مختل کرده است

۲۲

معاون استاندار خوزستان خبرداد

پرداخت تسهیلات کارآفرینی به خسارت دیدگان متروپل

معاون استاندار خوزستان و فرماندار ویژه آبادان گفت: به خسارت‌دیدگان ساختمان متروپل تسهیلات کارآفرینی تعلق می‌گیرد. احسان عباسپور یکشنبه در برنامه رو در رو شبکه آبادان اظهار داشت: یک هزار فقره تسهیلات کارآفرینی از سوی صندوق کارآفرین با کارمزد چهار درصد به اصناف خسارت دیده حادثه متروپل پرداخت می‌شود. وی افزود: اصنافی که تا ۱۰ روز اول تعطیل و دچار ضرر و زیان شدند...

۱۶

روابط عمومی وزارت بهداشت اعلام کرد

روز صفر کرونا برای سومین بار

مرکز روابط عمومی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی اعلام کرد: در طول ۲۴ ساعت، از تاریخ ۲۸ خرداد تا ۲۹ خرداد ۱۴۰۱ هیچ بیمار مبتلا به کووید-۱۹ در کشور جان خود را از دست نداد و مجموع جانباختگان این بیماری، در عدد ۱۴۱ هزار ۳۶۳ نفر ماند. به گزارش ایرنا، از دیروز تا امروز ۲۹ خردادماه ۱۴۰۱ و براساس معیارهای قطعی تشخیصی، ۱۶۰ بیمار جدید مبتلا به کووید-۱۹ در کشور شناسایی و ۲۰ نفر از آنها بستری شدند. ۲۲

۱۹

برائز سهل انگاری والدین رخ داد

مرگ دختر ۴ ساله در خودروی داغ

زوج جوان که برای شرکت در مراسم عزاداری، دختر ۴ ساله خود را در خودرو تنها گذاشته بودند هنگام بازگشت با جسد وی روی رو به رو شدند. دکتر غلامرضا حیدرنژاد رئیس اداره پزشکی قانونی رامهرمز در بیان جزئیات این خبر گفت: پدر و مادر سایدا ۴ ساله برای شرکت در مراسم تشییع و تدفین خاله کودک رفته بودند، از آنجا که سایدا خواب بود والدین تصمیم گرفتند بچه را از خواب بیدار نکنند...

۱۹

می‌شوم او تا سال ۹۴ فرمانده یگان حفاظت از میراث فرهنگی استان اردبیل بوده و بارها به دلیل وظیفه‌شناسی مورد تشویق و تکریم قرار گرفته است: «ما از طایفه شاطرانلو هستیم. در زبان محلی به ما گاواستانی هم می‌گویند که احتمالاً به زمان کوچ برمی‌گردد یعنی وقتی که بار را با گاو جایه‌جا می‌کرده‌اند و گاوها از خستگی ایستاده‌اند. کسانی که گاوهای شان خسته شده و در راه مانده‌اند و اینجا مانند گاو شده‌اند.» روایت بخشی احتمالاً به دوره نادرشاه افشار اشاره می‌کند که سیاست شاه عباس را در کوچاندن کردهای کرمانج اطراف ارومیه به شمال خراسان برای مرزبانی در مقابل ترکان آسیای میانه، با شدت بیشتری ادامه داد اما عده‌ای از کردهای از پیش کوچیده به قوچان نیز درحال بازگشت بودند چون اساساً این سیاست نه برمنای اجبار حکومتی بلکه برپایه رضایت طوایف کرد شکل گرفته بود. اطراف ری، ورامین و هروآباد یا خلخال ازجمله نقاطی بودند که گاوها توان خود را از دست دادند و بسیاری از کوچندگان به ناچار مانده‌نگار شدند. البته بخشی می‌گوید کردهای قوچان را به خاطر پیشگیری از دعوای طایفه‌ای به هروآباد و حاشیه رودخانه قزل اوزن یا سپیدرود کوچانده‌اند. زیرا کردها در زمان صفویه واقفاریه، علاوه بر مرزبانی همچون نیروهای ویژه صلح بانی نیز عمل می‌کرده‌اند: «کردها کم کم از حاشیه قزل اوزن به اطراف کشیده شدند والان در جاده اردبیل روستاهایی مثل زاویه کرد و یکی دوروستای دیگر هم کرد هستند همین‌طور در هشتجین و امام‌رود و روستاهایی مثل سرخلی، چنلی گبین، بولکو و... همه کرمانج نشینند. حدود ۲۸ تا ۳۰ روستای خلخال کرد کرمانج هستند و طبیعتاً در خود خلخال هم زندگی می‌کنند. البته مهاجرت هم زیاد است مثلاً از بلوکانلو که روستای خود ما است فقط ۲۵۰ خانوار در رشت زندگی می‌کنند و ۲۶۰ خانوار در هشتپر، روستای کلمستان اکثراً به قلعه حسن خان تهران کوچ کرده‌اند؛ شاید حدود ۵۰۰ خانوار. الان دوه سالی هست که همانجا نوحه کردی می‌خوانند و از طریق فضای مجازی دست ما هم می‌رسد.» مه وارد خیابان‌های زیبای خلخال می‌شود و پرده‌ای شاعرانه میان شب و شهر می‌کشد، تکه‌ای زنده از آذربایادگان کهن در میان کوه‌های سر به فلک کشیده زاگرس و سرمایی کشنده که گاوهای باربر را زمینگیر می‌کند، جلوی حرکت تند زبان را می‌گیرد و به تکه‌ای یخ بدل می‌سازد.

گیلان اما رطوبت خیلی بالا بود و بدنام سازگار نشد. مدام بیمار بودم تا اینکه سال ۷۰ برگشتم خلخال. نوروز شروع می‌کند به نام بردن از روستاهای شاهرود خلخال: «خمس و مجره ترکی آذربایجانی حرف می‌زنند اما از آنجا به بعد زبان، تاتی می‌شود؛ اسکستان که خود تات‌ها می‌گویند اسستان، اسبو، درو که روستای خود ماست، شال، دیز، تیل، کلور، کرین، لرد و... همه تات هستند. باز در «میان» و «رودان» که به خلخال نزدیکند زبان به ترکی برمی‌گردد. اسکستانی‌ها هم ترکی بلدند ولی روستای ما نه. مسن ترها کم و بیش ترکی هم بلدند ولی جوان تاتی و فارسی حرف می‌زنند.» می‌پرسم چرا به تات‌ها فارس هم می‌گویند؟ کمی فکر می‌کند و می‌گوید: «من این جمله را نشنیده‌ام ولی می‌دانم اگر الان با یک هم روستایی خودم تاتی حرف بزنم شما هم متوجه می‌شوید چون به فارسی نزدیک است، تالشی هم همین‌طور. البته تالشی با تاتی فرق دارد هر چند ما زبان همدیگر را متوجه می‌شویم. خود من چون رضوانشهر زندگی کرده‌ام تالشی هم بلدم هر چند باز تالشی رضوانشهر با تالشی اسلام فرق می‌کند.» نوروز می‌گوید تالشی از نظر شعر و ترانه و نوحه خیلی غنی است اما متأسفانه تاتی نه: «دو سه سالی هست

که در عزاداری‌ها نوحه تاتی می‌خوانند یا اشعار عاشقانه‌ای در فضای مجازی منتشر می‌شود که بعضی‌هایشان خیلی قشنگ است.» با سؤالی غافلگیرش می‌کنم: «تات‌ها چقدر ایران دوستند؟ می‌گویند: «ایران دوستند؟ تات‌ها جان‌شان را هم برای ایران می‌دهند. بیایید ببینید همین روستای ما چند نفر شهید تقدیم کرده. این حرف‌ها یعنی چه. میهن پرستی یک چیز طبیعی است، پرسیدن ندارد که...» از یدالله بخشی از کردهای کرمانج خلخال هم همین سؤال را می‌پرسم می‌گوید: «من دبیرستانی بودم که خرمشهر دست عراقی‌ها افتاد. همان روز قلمم را زمین گذاشتم و اسلحه برداشتم و رفتم جبهه. در همان روستای خودمان زن سالخورده کم چیزی می‌شناختم که می‌رفت صحرا جارو جمع می‌کرد، درست می‌کرد می‌فرستاد جبهه. می‌گفت همین از دست من برمی‌آید. ایران برای ما یک کلمه نیست، ایران یعنی عشق یعنی هست و نیست ما.»



جواد، خلخال را با نام قدیمش روی نقشه ثبت کرده است: هروآباد.

نقشه را با دقت نگاه می‌کنم، پراست از نام‌های خوش‌آهنگ زبان پهلوی؛ خوجین یا خوجین؛ روستایی که کوه‌هایش منظم و خوب چیده شده است، مجره یا مه چره، آبادی‌ای که مه مثل رمه گوسفند در دشت‌های سرسبزش به چرامی رود؛ دوروستایی که برای رسیدن به گردنه الماس از کنارشان عبور می‌کنیم و مه پشت سر ما روی علفزارهای لغزدو به چرامی رود



آکین عطی / ایران

سفر به هروآباد؛ تکه‌ای از آذرآبادگان قدیم

اینجا کلمه‌ها یخ می‌زنند

محمد مطلی

دبیر گروه گزارش

چایخانه و کبابی بهنام حوالی همان جایی است که میرزا کوچک‌خان یخ زد. دریایی از مه، دره‌ها را پوشانده و گاه موجی بلند به سمت جاده خیز برمی‌دارد و غروب خرداد را شب تاریک زمستان می‌کند. باد چنان سرد و سوزناک است که انگشت‌هایم کبود می‌شود. میرزا در آخرین لحظه‌های زندگی و در برف و بوران آذرماه، آن هم وقتی که هم‌رزم نیمه جانش را کول کرده بود چه کشید؟ جنگل انبوه و شیروانی‌های رنگی ییلاق تالش در عمق دره پیدا و ناپیدا است. بهنام نعل کهنه‌اسبی را برای خوش‌شانسی روی سردر مغازه کوبیده است؛ امیدوار به چند ماه کار و بازگشت به قشلاق اسلام. اینجا کرمان است، مرز گیلان و اردبیل در گردنه الماس خلخال.

بهنام می‌گوید: «یادم هست بچه که بودم با اسب و قاطر می‌آمدند خلخال خرید، گاهی توی راه برف و کولاک زمینگیرشان می‌کرد و خیلی‌ها می‌مردند. جنازه دو ماه کنار رودخانه می‌ماند تا هوا خوب شود، راه بیفتند برای کفن و دفن.» بهنام سنی است. می‌پرسم شاعفی یا حنفی؟ می‌گوید والله نمی‌دانم. همسایه‌اش محب‌الله می‌گوید شاعفی است ولی ما حنفی هم داریم: «پدر من تالش شیعه است، مادرم تالش سنی. برادر خود بهنام از خلخال زن آذری گرفته. اینجا این چیزها اهمیتی ندارد... ما تالش خلخال نیستیم ولی خلخال‌ها را از تالش‌های خود خلخال، بیشتر دوست داریم.» رضا جوادی کارشناس اداره میراث فرهنگی خلخال، نقشه‌ای را نشانم می‌دهد که طی سال‌ها با جزئیات مربوط به کارش از شهر کشیده و کنار میزش به دیوار زده است: «کردهای کرمانج در این منطقه، یعنی شمال شرق خلخال ساکنند. کرمانج‌های خلخال مثل کرمانج‌های خراسان شیعه هستند. این قسمت یعنی بخش خورش رستم آذری‌نشین است با اکثریت شیعه و البته ۲۵ تا ۳۰ درصد هم سنی. روستای کرج که یکی از ۱۰ روستای برتر نمونه گردشگری کشور است و روستایی است پلکانی شبیه ماسوله با همین ترکیب جمعیتی در

این منطقه قرار گرفته. جنوب خلخال یا بخش شاهرود هم تات هستند. البته در هشتجین خورش رستم هم دوسه روستای تات زبان داریم.» جوادی، خلخال را با نام قدیمش روی نقشه ثبت کرده است: هروآباد. نقشه را با دقت نگاه می‌کنم، پراست از نام‌های خوش‌آهنگ زبان پهلوی؛ خوجین یا خوجین؛ روستایی که کوه‌هایش منظم و خوب چیده شده است، مجره یا مه چره، آبادی‌ای که مه مثل رمه گوسفند در دشت‌های سرسبزش به چرامی رود؛ دوروستایی که برای رسیدن به گردنه الماس خلخال را با نام قدیمش روی علفزارها می‌لغزد و به چرامی رود. هروآباد یا خلخال در میان قله‌های سر به فلک کشیده زاگرس درستی نظریه زبان‌شناختی پروفسور «آندری بیسویچ» (زبان‌شناس و ایران‌شناس لهستانی) را ثابت می‌کند. او معتقد است سرعت حرکت و تغییر زبان در ساحل رودخانه تند و در کوهستان آرام است. با این نظریه می‌توان فهمید چرا تاتی یا آذری‌کهن که